



سفر آقای عراقچی به ژنو، پس از آغاز جنگ اهمیت تاریخی پیدا کرد؛ زیرا در میانه یک جنگ که ابعاد آن روشن شد، نقش بازیگران محدود به رژیم صهیونیستی نبود و سایر طرف ها نیز تأثیرگذار بودند. وزیر امور خارجه ایران شجاعت به خرج داد و در یک مجمع بین المللی حاضر شد تا نشان دهد ملت ایران اهل گفت وگوست. شرکت ایشان در اجلاس شورای حقوق بشر اولین مواجهه وزیر امور خارجه ایران با جامعه بین المللی در شرایط جنگی بود

به ویژه با توجه به تعاملات با کشورهای عربی و ضرورت مدیریت همزمان سیاست رسانه‌ای، این عملیات چگونه تعریف و اجرا شد؟ در پشت درهای بسته چگونه هماهنگی انجام می‌شد، در کدام بخش ها خودتان تصمیم گیری می کردید و در کدام بخش ها ناچار به تصمیم گیری بودید؟ اگر امکان دارد، مصادیق مشخصی نیز ارائه بفرمایید؟

برای تدوین یک موضع و بیان آن در قالب بیانیه یا اظهار نظر سخنگویی، روند مشخصی وجود دارد. در هر موضوعی، سخنگو نمی تواند به صورت بداهه عمل کند و صرفاً از جانب خودش مطلبی بیان کند؛ انتخاب واژه ها و عبارت پردازی برعهده سخنگوست، اما اصول و چهارچوب ها باید مطابق با سیاست خارجی کشور باشد. هر موضوعی با توجه به مشورت هایی که از قبل در سطح وزارت خارجه و در صورت لزوم با نهادهای بیرون از وزارتخانه صورت می گیرد، تدوین شده و سپس در قالب بیانیه سخنگویی منتشر می‌رود

این فرآیند زمان بر است اما گاهی تحولات بسیار سریع رخ می دهند و لازم است سخنگو به صورت تلفنی یا بر اساس اصول با همکاران مشورت کند؛ برای مثال، اگر موضوع مربوط به یک کشور همسایه باشد، حتماً باید با اداره سیاسی دوجانبه هماهنگ شود. اگر موضوعی فراتر از حد یک اداره کل یا حوزه سخنگویی باشد، باید با وزیر یا معاون سیاسی و در صورت لزوم با معاونین المللی یا کنسولی مشورت شود. برای نمونه، در موضوع حمایت از اتباع ایرانی در خارج از کشور، کسانی که دچار مشکل یا بازداشت می شوند، نظر معاونت کنسولی گرفته می شود و تصمیم گیری با هماهنگی آنها انجام می شود. یا اگر اتفاقی در منطقه خلیج فارس رخ دهد، مشورت با مدیرکل مربوطه الزامی است.

مواردی که فراتر از سطح اداره کل باشد، باید در سطوح بالاتر بررسی و تصمیم گیری شود. نمونه مشخص آن، مذاکرات هسته‌ای و رفع تحریم هاست که سنتاً از طریق هماهنگی در سطح شورای عالی امنیت ملی انجام می شده و وزارت خارجه به عنوان بخشی از روند تصمیم گیری و نهایتاً مجری اقدامات، ایفای نقش می کرده است. این روند مستمرو دائمی است؛ سخنگو و همکاران باید همواره در جریان تحولات داخلی و بین المللی و خطوط رسانه‌ای باشند تا غافلگیر نشوند.

سخنگو و تیم او باید به صورت شبانه روزی تحولات و تحلیل ها را از طرق مختلف رصد کنند تا بهترین موضع را برای کشور پیشنهاد دهند. یکی از مهم ترین چالش ها، محدودیت زمان است؛ قبل از وقوع جنگ ۱۲ روزه لازم بود سخنگو مشخصاً ورود کند و موضع سریعاً تعیین شود. در موارد بسیاری، تصمیم گیری سریع ضروری بود، اما همواره تأکید می کنم که سخنگو نمی تواند خودسرانه عمل کند و باید در چهارچوب مشورت و هماهنگی با سطوح مختلف وزارتخانه عمل نماید.

بی تردید حساسیت ویچپدگی امور یا شروع جنگ ۱۲ روزه به اوج خود رسید. لطفاً درباره این دوره پرتنش و تجربه حضور خود در آن مقطع توضیح دهید و از شرایط، چالش ها و نحوه مدیریت بحران در آن دوره بگویید.

دوره دفاع ۱۲ روزه شرایط خاص و دشواری داشت؛ زیرا ارتباطات معمول برقرار نبود. همه همکاران از همان ساعات اولیه روز جمعه در شورای معاونین، با حضور آقای وزیر و مدیران کل، در وزارت خارجه حاضر شدند و فعالیت خود را آغاز کردند. دکتر عراقچی نیز از همان ابتدا تماس های تلفنی با همتایان کشورهای مختلف برقرار کردند، مکاتبات و مستندسازی های لازم با سازمان ملل و سایر سازمان های بین المللی انجام شد و جلسات سخنگویی نیز به صورت عادی ادامه پیدا کرد. اولین مصاحبه من در ظهر روز جمعه، روز اول جنگ، با صدا و سیما در محل وزارت امور خارجه انجام شد در حالی که هنوز مواضع به صورت کامل نهایی نشده بود اما من لازم دیدم فوراً با رسانه ها و مردم صحبت کنم و مواضع اصولی کشور را بیان کنم. چیزی که برای من در همکاری در آن ایام اهمیت داشت، این بود که صدای رسانی مردم ایران باشیم؛ مردمی که بدون هیچ دلیل موجهی مورد محرم قرار گرفته بودند و کشورشان مورد تعرض واقع شده بود. ما به عنوان بخشی از مردمی که گاهانه و قهرمانانه ایستادگی کردند، نمی توانستیم کوتاهی کنیم. در واقع، همکاران ما با مردم خودمان سبانه می دادند تا منافع ملی را صیانت کنند؛ مردمی که با بصیرت جنگی کرده بودند. چندی

خفرتاری کیان ایران را تهدید می کند. در این شرایط، همه اختلاف ها، گلابه ها و حرف ها و حدیث ها کنار گذاشته شد و همه تبدیل به یک دست واحد برای دفاع از کشور شدند. وظیفه ما نیز این بود که با تمام وجود نشان دهیم بخشی از این ملت هستیم. در چنین شرایطی، انرژی آدم چند برابر می شود، زیرا می دانید برای یک هدف مقدس در حال مبارزه هستید و می دانید همه هموطنان آن در معرض خطر هستند؛ همه نگران اما مصمم و دفاع از میهن. این شرایط، فضایی خاص و استثنایی بود که هرگز فراموش نمی شود.

چرا برخلاف معمول، آقای عراقچی در سفر به ژنو که در میانه جنگ صورت گرفت، همراهی نکردید؟

در طول یک سال اخیر تحت تأثیر تحولاتی که پس از ترور شهید هنبه و وقوع عملیات «وعده صادق ۲» و پاسخ نظامی اسرائیل رخ داد، ارزیابی های پیاپی و پنهان قابل توجهی میان دستگاه دیپلماتی ایران و کشورهای عربی صورت گرفت. در مورد عملیات رسانه‌ای مرتبط با این گفت وگوها توضیح دهید.



در گفت وگو ی «ایران» با اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت امور خارجه مطرح شد پشت پرده روزهای تعیین کننده دیپلماسی

اولین روزهای مسئولیت اسماعیل بقایی در قامت سخنگوی وزارت امور خارجه را می توان نقطه‌ای تعیین کننده در معادلات دیپلماتیک کشور دانست؛ زمانی که ترور اسماعیل هنبه، میهمان ویژه مراسم تحلیف رئیس جمهوری، فوراً دستگاه دیپلماسی را وارد عرصه مدیریت بحران و تنظیم روایت جهانی کرد. بقایی در گفت وگویی صمیمانه با «ایران» می گوید که مواجهه با چنین رخدادی، مستلزم تلفیق سریع تحلیل های امنیتی، هماهنگی میان نهادهای مختلف و بهره گیری از ظرفیت های دیپلماسی عمومی برای انتقال پیام صریح و دقیق تهران به مخاطبان بین المللی بود. او همچنین به تجربه حساس و پیچیده وزارت خارجه در جریان جنگ ۱۲ روزه اشاره کرد؛ جایی که دیپلماسی فشرده، مذاکرات همزمان با فشارهای منطقه‌ای و بین المللی، نقش تعیین کننده‌ای در شکل دهی به آتش بس و مهار بحران ایفا کرد. سخنگوی وزارت امور خارجه در این گفت وگو توصیه‌ای مهم به افرادی داشت که گاه مواضعی موازی با مواضع رسمی و اعلامی وزارت امور خارجه به عنوان نماینده جمهوری اسلامی اتخاذ می کنند؛ اینکه تمرکز بر منافع ملی و پایبندی به اصول رسمی سیاست خارجی، مؤثرترین راه برای جلوگیری از سوءاستفاده دشمن و حفظ انسجام گفتار و مواضع کشور است.

موضع ممکن را تدوین و آن را به شکل مناسب بیان کنیم.

در چهارچوب دیپلماسی عمومی، در جریان سفرهای آقای عراقچی برخی ابتکارات مانند حضور ایشان در رستوران و صرف غذای محلی توانام با نگاه جامع تر مسائل رسانه‌ای را درک و بهتر منافع و مواضع کشور را نمایندگی کنم. پس از گفت وگو با آقای وزیر و مشورت با همکاران و دوستانی که تجربه رسانه‌ای داشتند، به این نتیجه رسیدیم که بعد از حدود ۲۰ سال کار در بخش بین الملل، اکنون زمان مناسبی است که در عرصه رسانه به عنوان زبان دستگاه دیپلماسی و کشور خدمت کنم. یکی از مشورت های مهم من، با دوست عزیزم آقای جابری انصاری بود که سابقه سخنگویی داشت و در وزارت خارجه به عنوان فردی ادیب، خوش بیان و خوش سخن شناخته می شود. نظر ایشان برای من تعیین کننده بود و در نهایت با توکل بر خدا این مسئولیت را بپذیرفتم.

روزهای آغازین کار تنام هم اوج گیری یکی از حساس ترین برهه های سیاست خارجی کشور بود. به؛ از روزهای ابتدایی کارم، شرایط بسیار حساس بود. عملیات «وعده صادق ۲» انجام شده بود و کشور در وضعیتی قرار داشت که انتظار می رفت رژیم صهیونیستی واکنشی نشان دهد. من روز دوازده مهر ۱۴۰۲ توثیت آغاز فعالیت خود را درم کارم را رسماً از روز پنجشنبه شروع کردم. تقریباً همان روز جمعه، سفر معروف لبنان و سوریه در یکی از زمان های اوج تنش در منطقه انجام شد. در چنین شرایطی باید سریعاً با تیم جدید آشنا می شدم و برنامه ریزی می کردم که چگونه در این فضای پرتنش و سیال، زبان گویایی برای کشور باشیم.

از ابتدا طرز تفکر من این بود که اهالی رسانه، یاران ما هستند. خبرنگاران و دوستانی که در تبیین و روایت گیری تحولات سیاست خارجی کمک می کنند، برای من بسیار ارزشمند بودند؛ بدون آنها عملاً نمی توانستیم کار را پیش ببریم. دوستان مجربی که در حوزه سخنگویی و دیپلماسی عمومی وزارت خارجه مشغول بودند و سابقه کاری عملی در رسانه های معتبر داخلی داشتند، کمک کردند تا در زمان کوتاه، برنامه های خود را تدوین کنیم و وظایف مان را در شرایطی غیرعادی انجام دهیم. در این یک سال، ما همواره با حوادث و اتفاقات غیرقابل پیش بینی مواجه بوده ایم. به دلیل قرار گرفتن کشور ما در یک منطقه پرچالش و پرتنش، ذهن ما همواره باید آماده باشد تا با اخبار و رویدادهای غیرمتعارف یا غیرمنتظره روبه رو شود. در چنین شرایطی، ضروری است که با در نظر گرفتن کلیت نگاه کشور به موضوعات و اصول بنیادین حاکم بر سیاست خارجی و دیپلماسی بتوانیم بهترین

حضور داشته باشیم. تحصیلات و سوابق من نیز در این مسیر مؤثر بود. من پیشینه‌ای در زمینه رسانه داشتم و در سال های ۱۳۷۶ تا ۱۳۷۸ دوره های روزنامه نگاری گذرانده بودم و با برخی رسانه ها همکاری کرده بودم، هرچند در طول دوره مأموریت های کاری خود در وزارت امور خارجه، حوزه کاری من رسانه نبود. با این حال، دیپلماسی اساساً با رسانه در ارتباط است؛ مأموریت بین المللی خدمت می کنید، ناگزیر باید مواضع کشور را به نحوی بیان کنید که در این فضای رسانه‌ای نیز قابل دفاع باشد. بنابراین هر دیپلماتی به طور طبیعی باید بتواند رسانه را بفهمد و با آن تعامل داشته باشد و به نوعی کار رسانه‌ای نیز انجام دهد.

تجربه های بین المللی و کاری من در حوزه حقوق بین الملل و مأموریت های متنوع کمک کرد که بتوانم با نگاه جامع تر مسائل رسانه‌ای را درک و بهتر منافع و مواضع کشور را نمایندگی کنم. پس از گفت وگو با آقای وزیر و مشورت با همکاران و دوستانی که تجربه رسانه‌ای داشتند، به این نتیجه رسیدیم که بعد از حدود ۲۰ سال کار در بخش بین الملل، اکنون زمان مناسبی است که در عرصه رسانه به عنوان زبان دستگاه دیپلماسی و کشور خدمت کنم. یکی از مشورت های مهم من، با دوست عزیزم آقای جابری انصاری بود که سابقه سخنگویی داشت و در وزارت خارجه به عنوان فردی ادیب، خوش بیان و خوش سخن شناخته می شود. نظر ایشان برای من تعیین کننده بود و در نهایت با توکل بر خدا این مسئولیت را بپذیرفتم.

روزهای آغازین کار تنام هم اوج گیری یکی از حساس ترین برهه های سیاست خارجی کشور بود. به؛ از روزهای ابتدایی کارم، شرایط بسیار حساس بود. عملیات «وعده صادق ۲» انجام شده بود و کشور در وضعیتی قرار داشت که انتظار می رفت رژیم صهیونیستی واکنشی نشان دهد. من روز دوازده مهر ۱۴۰۲ توثیت آغاز فعالیت خود را درم کارم را رسماً از روز پنجشنبه شروع کردم. تقریباً همان روز جمعه، سفر معروف لبنان و سوریه در یکی از زمان های اوج تنش در منطقه انجام شد. در چنین شرایطی باید سریعاً با تیم جدید آشنا می شدم و برنامه ریزی می کردم که چگونه در این فضای پرتنش و سیال، زبان گویایی برای کشور باشیم.

از ابتدا طرز تفکر من این بود که اهالی رسانه، یاران ما هستند. خبرنگاران و دوستانی که در تبیین و روایت گیری تحولات سیاست خارجی کمک می کنند، برای من بسیار ارزشمند بودند؛ بدون آنها عملاً نمی توانستیم کار را پیش ببریم. دوستان مجربی که در حوزه سخنگویی و دیپلماسی عمومی وزارت خارجه مشغول بودند و سابقه کاری عملی در رسانه های معتبر داخلی داشتند، کمک کردند تا در زمان کوتاه، برنامه های خود را تدوین کنیم و وظایف مان را در شرایطی غیرعادی انجام دهیم. در این یک سال، ما همواره با حوادث و اتفاقات غیرقابل پیش بینی مواجه بوده ایم. به دلیل قرار گرفتن کشور ما در یک منطقه پرچالش و پرتنش، ذهن ما همواره باید آماده باشد تا با اخبار و رویدادهای غیرمتعارف یا غیرمنتظره روبه رو شود. در چنین شرایطی، ضروری است که با در نظر گرفتن کلیت نگاه کشور به موضوعات و اصول بنیادین حاکم بر سیاست خارجی و دیپلماسی بتوانیم بهترین

قبل از اینکه مسئولیت خطیر سخنگویی وزارت امور خارجه را بپذیرید، آخرین مسئولیت شما چه بود و چه شد که در نهایت به سمت سخنگوی وزارت امور خارجه در دولت آقای پزشکیان انتخاب شدید؟

من از اوایل دهه ۱۳۸۰ وارد وزارت امور خارجه شدم. ورود به وزارت خارجه از بخش حقوقی بود که با توجه به تحصیلام در این حوزه طبیعی بود. لیسانس حقوق را از دانشگاه تهران گرفتم، سپس فوق لیسانس حقوق بین الملل از دانشگاه شهید بهشتی و همچنین فوق لیسانس دیپلماسی و سازمان های بین المللی از دانشکده روابط بین الملل. در ادامه نیز دکترای حقوق بین الملل را گذراندم.

آغاز فعالیت حرفه‌ای من در دهه ۸۰ بود که مصادف شد با تحولات پس از ۱۱ سپتامبر؛ پایان نامام دربارہ ابعاد حقوقی مبارزه با تروریسم بود. بنابراین در اداره حقوقی وزارت امور خارجه مسئول پیگیری مباحث مرتبط با عدالت کیفری و مقابله با جرایم تروریستی شدم. این مسئولیت موجب شد ارتباط بیشتری با کمیسیون پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل در وین داشته باشم و مسیر کاری من از بخش بین المللی و حقوقی آغاز شود. تخصصم در حوزه حقوق بین الملل بود و تا پیش از انتصاب به سمت سخنگویی در همین حوزه فعالیت می کردم.

از سال ۱۳۸۵ تا اوایل ۱۳۹۰ در نیویورک نماینده جمهوری اسلامی ایران در کمیته حقوقی سازمان ملل، کمیته ششم بودم. پس از بازگشت، مدتی معاون و سپس رئیس اداره حقوقی شدم. در همان ایام به عنوان عضو تیم مذاکره کننده هسته‌ای معرفی شدم و تمرکز ما بر مسائل حقوقی بود. از سال ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۷ نیز در اداره حقوقی فعالیت داشتم و نهایتاً در سال ۱۳۹۷ به عنوان سفیر و نماینده دائم ایران در ژنو در دفتر سازمان های بین المللی مستقر در ژنو منصوب شدم. آن دوره، دوره خاصی بود، زیرا همزمان با خروج آمریکا از برجام و آغاز دوره اول ریاست جمهوری ترامپ، روابط بین الملل و سازمان های بین المللی با تحولات بی سابقه‌ای مواجه شد. در آن زمان، نگرانی گسترده‌ای درباره یک جانبه گرایی کشورها وجود داشت و این موضوع نمود پیدا کرده بود. پس از بازگشت از ژنو، در سال ۱۴۰۱ در زمان سرهم ریزی می کردم که چگونه در به عنوان مشاور ایشان منصوب شدم و در تنظیم متون حقوقی و مسائل بین المللی و حقوق بشر همکاری داشتم. در دوازدهم مهر همان سال با تصمیم و حسن ظن دکتر عراقچی به عنوان چهاردهمین سخنگوی وزارت امور خارجه منصوب شدم و این مسئولیت را بپذیرفتم.

با توجه به اینکه مسئولیت سخنگویی وزارت امور خارجه، بویژه در آغاز کار دولت چهاردهم یکی از حساس ترین مسئولیت های حوزه سیاست خارجی کشور محسوب می شود، شما چه نگاهی به این سمت داشتید؟ آیا با توجه به حساسیت های این مقطع این مسئولیت را با ملاحظات و تدبیر پذیرفتید یا بیشتر احساس می کردید که ناچار به قبول آن هستید؟

در وزارت امور خارجه ما به نوعی همانند سربازان کشور در عرصه دیپلماسی عمل می کنیم. هرگاه تصمیم گیران وزارتخانه تشخیص دهند که یک دیپلمات می تواند نقش مؤثرتری ایفا کند و به ساختار و منظومه‌ای که مسئول تأمین منافع ملی است کمک کند، موظفیم آن مسئولیت را بپذیریم و در مسیر تحقق اهداف کشور فعالانه



چگونه و در چه شرایطی از وقوع حمله نظامی اسرائیل مطلع شدید و اولین واکنش هایتان در آن لحظات بود؟

اولین مواجهه من با تجاوز رژیم صهیونیستی ساعت سه و ربع بامداد بود. آن شب، در حالی که در تونل توحید رانندگی می کردم، با دو صدای مهیب مواجه شدم که توجه ام را جلب کرد. مسیر پیش رو یکی از مکان های مورد حمله رژیم بود و در آنجا با صحنه‌ای به شدت به هم ریخته روبه رو شدم؛ مردم زیادی از خانه های خود بیرون آمده بودند و فضا کاملاً آشفته بود. وقتی به منزل رسیدم، متوجه شدم حمله واقعاً رخ داده است، اما نتوانستم مدت زیادی در خانه بمانم. حدود ساعت چهار و نیم صبح به وزارت خارجه رفتم و به تدریج همه معاونین و مدیران کل نیز حضور یافتند؛ ساعت شش صبح تقریباً همه در وزارتخانه جمع بودند.

آقای عراقچی نیز در جریان قرار گرفت و پس از اطلاع از حادثه گفت که به وزارت خواهد آمد. از همان لحظه کار ما آغاز شد و هدف اصلی این بود که اجازه ندهیم این جنایت بدون روایت گیری مناسب ادامه پیدا کند. اهمیت داشت که رسانه های جمعی خارجی از نزدیک شاهد اتفاقات باشند، زیرا در کنار این جنگ ظالمانه، یک جنگ روانی علیه ایران نیز در فضای رسانه‌ای به راه افتاده بود. به همین دلیل، استفاده از همه ابزارهای در دسترس، چه رسانه های داخلی و چه رسانه های بین المللی، در دستور کار قرار گرفت و تماس ها و جلسات لازم از همان ساعات اولیه آغاز شد.

همکاران من نیز در بخش سخنگویی و رسانه های خارجی از ساعات اولیه روز جمعه ۲۳ خرداد در محل مرکز حاضر شده و فعالیت را عمدتاً در زمینه تدوین بیانیه ها و مواضع و هماهنگی برای پوشش رسانه‌ای اقدامات دیپلماتیک و تهیه و ارسال دستورالعمل های لازم به نمایندگی های خارج از کشور آغاز کردند.

جزییات و تجربه خودتان از مدیریت این شرایط حساس را هم با ما در میان بگذارید.

آقای دکتر عراقچی در مسیر بازگشت از سفر خود بودند و من آن شب بیدار بودم، تلویزیون روشن بود و همزمان اخبار را هم بررسی می کردم. تقریباً همزمان با انتشار توثیت آقای وزیر درباره آتش بس که با زیرنویس شبکه خبر همراه بود، از موضوع مطلع شدم. در آن فاصله دو تا سه ساعته ما ارتباطی با هم نداشتیم و من از قبل اطلاع نداشتیم که چنین اتفاقی قرار است رخ دهد. با توجه به اینکه ایشان در سفر بودند، واقعیت این است که نمی دانستیم در این مدت کجا هستند و چه مسیری را برای بازگشت طی می کنند.

من و همکارانم خود را آماده کرده بودیم تا هر زمانی که طول بکشد، وظایف مان را انجام دهیم؛ زیرا اگر در چنین شرایطی منتظر بمانید که فضایی طی دو ساعت، یک روز یا حتی یک هفته خالص پیدا کند، ممکن است در انجام مأموریت ها دچار سوء محاسبه شوید. بنابراین فرض را بر این گذاشتیم که فارغ از مدت زمان لازم، باید تمام تمرکز خود را روی کار داشته باشیم. در میان چالش های متعدد در مدیریت موضوع و ارتباط گیری با افرادی که باید تصمیم گیری و اقدام می کردند، الحمدلله آقای عراقچی با تدبیر و درایت خاص خود توانستند آتش بس را به شیوه‌ای که پیش بینی و تفاهم شده بود به انجام برسانند، هرچند با برخی مشکلات جزئی در زمینه زمان بندی مواجه شدیم که خود ایشان نیز به آن اشاره کردند.

با توجه به اینکه یکی از چالش های برجسته در حوزه کاری شما طرح مواضع برخی چهره های سیاسی و نهادهای درباره موضوعات حساس سیاست خارجی است که گاهی پیامدهای منفی نیز به همراه دارد، شما به عنوان مسئول مستقیم این حوزه چگونه با این چالش مواجه شدید و آیا تدابیری اندیشیدید تا این فضا تاحد امکان مدیریت شود؟ چنانچه شب آتش بس هم شاهد انتشار پیام های اذی سوزی برخی چهره های سیاسی داخلی بودیم که با آنچه در مسیر آتش بس در حال وقوع بود، تناقض داشت.

ببینید، من از ابتدا فرض را بر این گذاشتیم که در مقام سخنگویی باید سعه صدر مضاعف داشته باشیم و توان تحمل انتقادها و دیدگاه های متفاوت را داشته باشیم. هرچه مسئولیت در وزارت خارجه سنگین تر باشد و کار گسترده تر، طبیعتاً بیشتر در معرض نشر اف و ارزیابی قرار می گیرید و ممکن است ایرادات بیشتری نیز به شما وارد شود. دستگاه دیپلماسی ما واقعاً پرکار است و طبیعی است که خطاهای محدودی وجود داشته باشد.

یکی از چالش های اصلی ما این است که در جامعه‌ای پویا و مدنی که به نظر من یکی از دستاوردهای مهم انقلاب اسلامی است، دیدگاه های متنوع و چند صدایی در باره سیاست های خارجی مطرح می شود. این امر کاملاً طبیعی است، بویژه وقتی موضوع، سیاست های مرتبط با وزارت خارجه باشد. در موارد متعدد اگر دیدگاه های مطرح شده که در راستای منافع ملی نباشد، ما به دوستان و شخصیت های مربوطه تذکر می دهیم و خواهش می کنیم مواضعشان را اصلاح کنند یا از تکرار آنها خودداری کنند و خوشبختانه اغلب این تذکرات با سعه صدر و بزرگواری پذیرفته شده است. در عین حال باید مراقب باشیم که بیش از حد به خودمان سخت نگیریم؛ زیرا دشمنان خارجی ممکن است از هر حرف و اظهار نظری سوءاستفاده کنند تا منافع خود را پیش ببرند؛ برای مثال، اخیراً رئیس جمهوری آمریکا به نقل از یکی از چهره های محترم کشورمان سخنی را مطرح کرد که مربوط به سه سال پیش بود، زمانی که آن فرد مسئولیتی نداشت. این سخن کاملاً سوءاستفاده است و واقعیت ندارد. حتی در آن زمان هم سازمان انرژی اتمی موضع رسمی خود را اعلام کرده بود. این نمونه نشان می دهد که دشمنان، به دلیل کمبود مستندات و شواهد واقعی، از حرف های گذشته برای الهی برداشت نادرست بهره برده اند.

بنابراین شاخص اصلی ما باید همواره منافع ملی باشد و پایبندی به رویکرد رسمی وزارت خارجه و سیاست های تثبیت شده نظام، حتی در مواجهه با دیدگاه های متفاوت افراد در رسانه ها یا سطح نمایندگان مجلس، ضروری است. تمرکز بر منافع ملی و رعایت اصول رسمی سیاست خارجی، بهترین راه برای جلوگیری از سوءاستفاده دشمن و حفظ انسجام گفتار و مواضع کشور است.